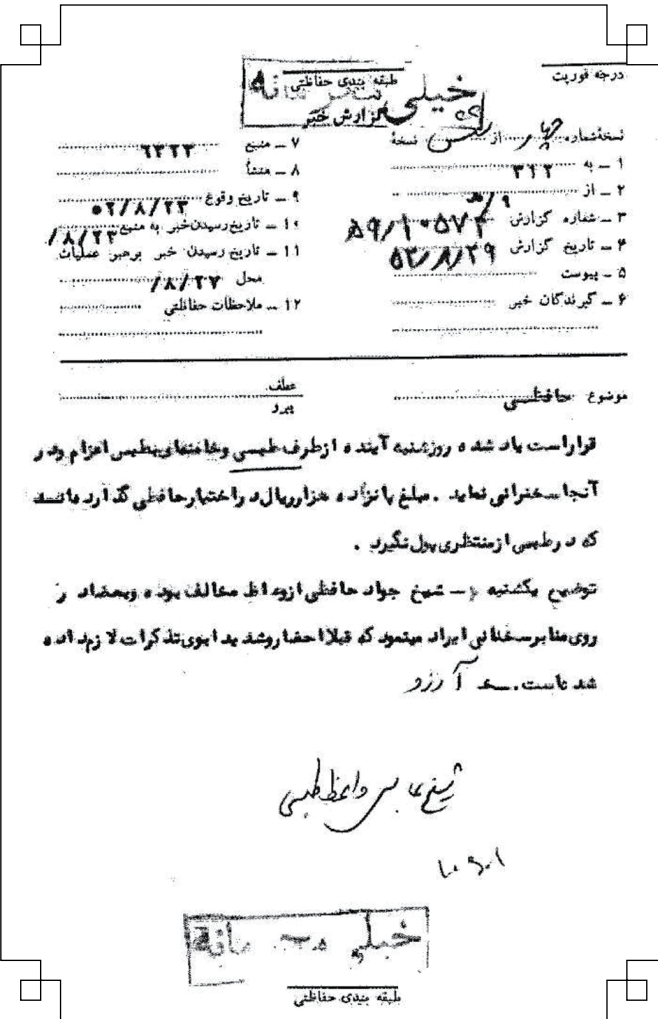
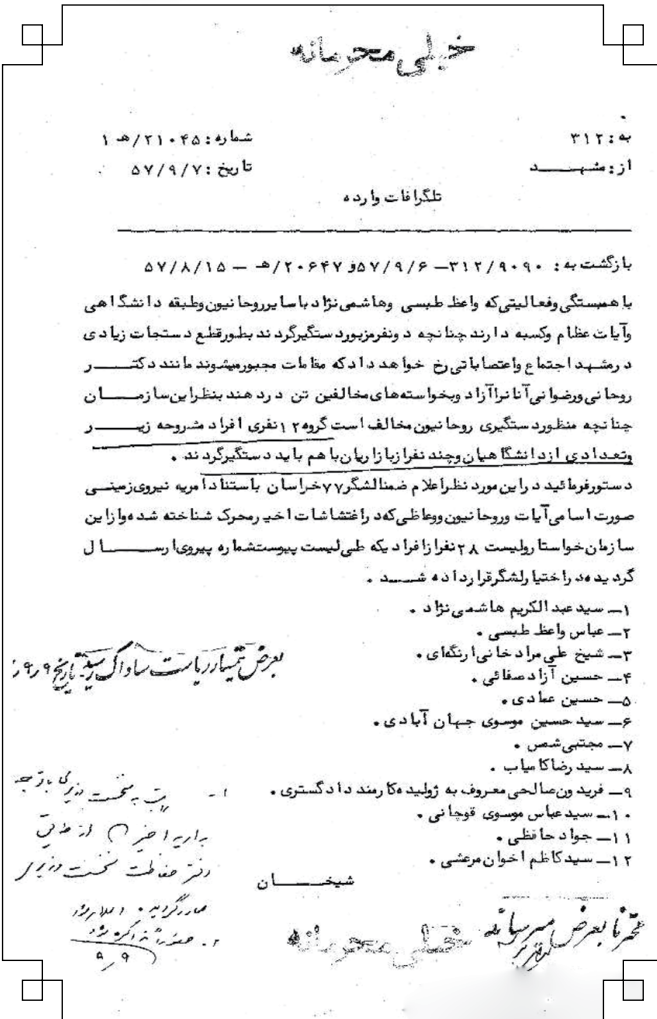
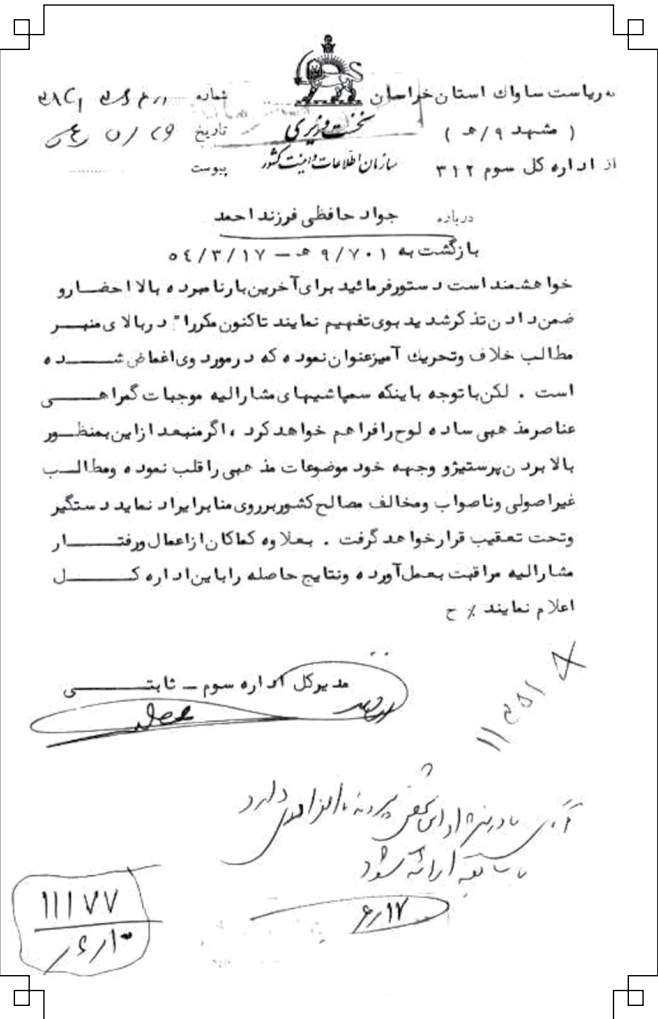


یادبود عالم سخنور و مبارز مشهد

مروری بر اسناد مبارزاتی حجت‌الاسلام جواد حافظی



حجت‌الاسلام جواد حافظی از روحانیون مبارز مشهد دار فانی را وداع گفت. در میان اسناد و خاطرات انقلاب کمتر نام و نشانی از این روحانی فقید به چشم می‌خورد. با نگاهی به برخی اسناد مبارزاتی وی این نوشته به زندگی سیاسی مرحوم حافظی می‌پردازد. حجت‌الاسلام جواد حافظی از روحانیون مبارز مشهد دارفانی را وداع گفت. رهبر انقلاب اسلامی نیز در پیامی درگذشت این عالم سخنور و مبارز را تسلیت گفتند. در متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیخ جواد حافظی از این روحانی فقید به چشم سخنور مبارز مرحوم حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ جواد حافظی رحمۀالله علیه را دریافت کردم. منبرهای روشنگر ایشان در دوران طاغوت و تحمل زندان و محرومیت در شمار مجاهدات‌های پیوسته این روحانی فدakar در سالیان بی‌دری است. از خداوند متعال پادشای شایسته و رحمت و مغفرت برای ایشان مناسأت می‌کنم و به بازماندگان محترم تسلیت می‌گویم.

سیدعلی خامنه‌ای ۲۵ بهمن ۱۴۰۴.

در میان اسناد و خاطرات انقلاب کمتر نام و نشانی از این روحانی فقید به چشم می‌خورد. با نگاهی به برخی اسناد مبارزاتی وی این نوشته به زندگی سیاسی مرحوم حافظی می‌پردازد.

در ادامه به مجموعه‌ای از اسنادی که حاکی از مبارزات حجت‌الاسلام جواد حافظی اشاره می‌شود و تصویر اسناد عیناً کار خواهد شد.

شیخ جواد حافظی فرزند احمد در سال ۱۳۲۰ در مشهد متولد شد. او در دوران تحصیلات حوزوی خود ضمن ارتباط با مجورهای مبارزات سیاسی خراسان همچون آیات خامنه‌ای، واعظ طبسی و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد به همراه روحانیون، چون سید رضا کامیاب، صادقی کاشمری، هاشمی گنجادی، عاملی و محمدباقر فرزانه در زمره طلبه‌های مبارز مشهد و طرفدار امام خمینی جای داشتند.

بنابه گزارش‌های ساواک جواد حافظی

و تظاهر به مسلمانی می‌نماید، اشخاصی بوده است که پایبند دین نیستند و به دروغ به این کار تظاهر می‌نمایند؛ لذا با اخذ تعهد آزاد گردید.»

اما ساواک می‌دانست «نامبرده بالا یکی از طلاب ناراحت و افراطی و از طرفداران خمینی در مشهد می‌باشد که در سال ۴۹ به اتهام تهیه و توزیع اعلامیه‌های مضره و کتب و نوشتجات مربوط به خمینی دستگیر و سرانجام به دو ماه حبس قابل خرید از قرار روزی ۳۰ ریال محکوم گردیده است.

نامبرده بالا را خواستار، خواهشمند است دستور فرمایند مراتب را اعلام دارند که به اداره مذکور منعکس گردد.» ساواک خراسان نیز در پاسخ به درخواست شهربانی، اعلام می‌کند: «در بازجویی‌های مقدماتی که از نامبرده بالا به‌عمل آمد، منکر اقدام علیه مصالح کشور و تبلیغ برله خمینی بوده و اضافه می‌نماید هدف از سخنرانی در منابر و انتقاد از افرادی که مجالس روضه‌خوانی تشکیل می‌دهند

اما رابطه مبارزاتی حافظی و آیت‌الله خامنه‌ای در اسناد دیگری نیز به چشم می‌خورد. گزارش ساواک در تاریخ ۱۶ دی ۱۳۴۹ – به‌موضوع: سیدعلی خامنه‌ای می‌نویسد: «اخیراً یکی از افسران لشکر ۷۷ که محل خدمتش در بازداشتگاه لشکر است، در نگاه معاملات آریا اظهار می‌نماید: من افسر کشیک زندان بودم، خامنه‌ای که در بازداشت لشکر است یک کاری کرده است که خیلی برایش گران تمام می‌شود. خامنه‌ای مطلبی را با سوزن سنجاقی روی کاغذ می‌نویسد (با سوزن کاغذ را سوراخ سوراخ می‌کند) و با سوراخ‌های که در کاغذ به‌وجود آورده است، منظور خود را نوشته است و کاغذ را از لای پنجره به طرف محلی که شیخ جواد حافظی بازداشت است می‌اندازد، ولی کاغذ به دست حافظی نرسیده و به دست مأمورین بازداشتگاه می‌افتد و، چون نمی‌تواند اطلاع شده‌اند، مجبورم کاغذ را ضمیمه پرونده‌اش کنم.»

از دیگر اقدامات شیخ جواد حافظی در راستای مبارزه، سفرهای تبلیغی بود. آبان ۱۳۵۲ شیخ جواد حافظی با دلالت آقای خامنه‌ای و طبسی برای ملاقات آقای منتظری به طیس رفت و احتمالاً در برگشت پیام آقای منتظری خطاب به انور سادات را با خود آورد و تکثیر کرد.

این پیام به مناسبت جنگ‌های اعراب و

اسرائیل، و در حمایت از دولت و ملت مصر و در تیرد با اسرائیل و تیریک پیروزی‌های ارتش مصر نوشته شده بود. علاوه بر اینن انتقاد حافظلی از رژیم پهلوی در منابر و مجامع مذهبی مورد توجه دستگاه‌های امنیتی قرار داشت. در سند ۳۱ شهریور ۱۳۵۳ آمده است: «قبل از ظهر روز ۲۲/۹/۱۳۵۲ به مناسبت درگذشت شاهرودی مجلس خمینی از طرف سید علی خامنه‌ای در مسجد کرامت برگزار گردید. افراد شناخته‌شده عبارت بودند از شیخ عباس طبسی، محامی. صادقی استادیار دانشکده الهیات مشهد. تقفی. در این مجلس

«درباره: جواد حافظی فرزند احمد

خواهشمند است دستور فرمایید برای آخرین بار نامبرده بالا احضار و ضمن دادن تذکر شدید، به وی تفهیم نمایند تاکنون مکرراً در بالای منبر مطالب خلاف و تحریک‌آمیز عنوان نموده که در مورد وی اغماض شده است. لکن باتوجه به اینکه سمپاشی‌های مشارالیه موجبات گمراهی عناصر مذهبی سداصدلوح را فراهم خواهد کرد، اگر من‌بعد از این به منظور بالا بردن پرستیژ و وجهه خود موضوعات مذهبی را قلب نموده و مطالب غیراصولی و ناصواب و مخالف مصالح کشور بر روی منابر ابراز نماید، دستگیر و تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. بعلاوه کماکان از اعمال و رفتار مشارالیه مراقبت به عمل آورده و نتایج حاصله را به این اداره کل اعلام نمایند. مدیر کل اداره

سوم – ثابتی.»

فعلیت‌های مبارزاتی جواد حافظی موجب شد تا در سال ۱۳۵۶ نام او در میان فهرست اسامی ممنوع‌الخروج از کشور قرار گیرد.

مبارزات حافظی در کنار روحانیون سرشناس مشهد موجب شد تا نام او بار دیگر در آذر ماه ۱۳۵۷ در کنار سایر روحانیون جهت دستگیری درج شود.

۲۷ آذر ۱۳۵۷ تفکرات وارد

به: ۳۱۲: از: مشهد شماره ۹۵/۲۱۰۴

با همبستگی و فعالیت‌های که واعظ طبسی و هاشمی‌نژاد با سایر روحانیون و طبقه دانشگاهی و آیات عظام و کسبه دارند چنانچه دو نفر مزبور دستگیر کردند به‌طور قطع دستجات زیادی در مشهد اجتماع و فعالیت‌های مخفی خواهند داد که مقامات مجبور می‌شوند رخن داکتر روحانی و رضوانی را آزاد و به خواسته‌های مخالفین تن در دهند به نظر این سازمان چنانچه منظور دستگیری روحانیون مخالف است گروه ۱۲ نفری افراد مشروح‌ه زیر و تعدادی از دانشگاهیان و چند نفر از بازاریان با هم باید دستگیر گردند.

دستور فرمایید در این مورد نظر اعلام ضما لشکر ۷۷ خراسان باستاند امریه نیروی زمینی صورت اسسمی آیات و روحانیون و واعظی که در اغتشاشات اخیر محرک شناخته شده و از این سازمان خواستار و لیست ۲۸ نفر از افرادی که طی لیست پیوست شماره پیروی ارسال گردیده در اختیار لشکر قرار داده شد.

۱ – سیدعبدالکریم هاشمی نژاد.

۲ – عباس واعظ طبسی.

۳ – شیخ علی مراد خانی رنگباری.

۴ – حسین آزاد صفائی.

۵ – حسین عمادی.

۶ – سیدحسین موسوی جهان آبادی.

۷ – مجتبی شمس.

۸ – سیدرضا کامیاب.

۹ – فریدون صالحی معروف به ژولیده کارمند دادگستری.

۱۰ – سیدعباس موسوی قوچانی.

۱۱ – جواد حافظی.

۱۲ – سیدکاظم اخوان مرعشی.

شیخان دایره عملیات – بعد از وصول نسخه یکم طبق اوامر جهت بررسی اقدام نمایند.

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

صفحه ۸

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۴۰۴

۲۹ شعبان ۱۴۴۷ – شماره ۲۴۰۸۱

چگونه قدرت نرم پرخاسته از رهبری و مردم توطئه دشمن را به شکست کشاند؟

در تاریخ معاصر، لحظاتی وجود دارند که پدیده‌های اساسی و راهبردی جهان با اراده ملت‌ها ورق می‌خورند. این‌جا دیگر تنها محاسبات سرد قدرت‌ها تعیین‌کننده نیست. در این میان، جنگ ۱۲ روزه تجلی شکست راهبردی آمریکا و اسرائیل در برابر محور مقاومت بود. آنان که می‌پنداشتند با قدرت سخت، می‌توانند صدای حق طلبی و عدالت‌خواهی را خاموش کنند، دریافتند که ایمان و اراده ملت‌های مستقل، بزرگ‌تر از زرادخانه‌هایشان است.

پس از آن ناکامی، طرح‌های دشمن آشکارا سمت‌وسوی جدیدی یافت. آشوب‌سازی، عملیات روانی و تلاش برای ایجاد جنگ تروریستی علیه جمهوری اسلامی در دستور کار قرار گرفت اما تاریخ بارها نشان داده است که هرگاه دشمن با ترند تازه‌ای قدم پیش نهد، ملت ایران با بصیرت، وحدت و حضور انقلابی‌تر پاسخ داده است. در این مرحله نیز چنین شد. رهبری حکیمانه حضرت آیت‌الله‌عظمی خامنه‌ای و هوشیاری ملت، چشم فتنه را کور کرد. اغتشاشات نه تنها به هدف ضربه زدن به اقتدار ملی نرسید، بلکه خود به فرصتی برای نمایش انسجام اجتماعی تبدیل شد. راهپیمایی ۲۲ دی، صحنه‌ای بود از حضور مردم در دفاع از آرامش، امنیت و آرمان‌های انقلاب. آن روز میلیون‌ها نفر از زن و مرد، پیر و جوان؛ با احساس مسئولیت و ایمان آمدند تا بگویند ایران در برابر طوفان‌های تبلیغاتی غرب ایستاده است. این حضور، پیام روشنی به جامعه بین‌المللی داشت: ایران ملتزم به عدم مداخله در امور داخلی دیگران و حاکمیت کشورهاست، برخلاف اقدامات یکجانبه و فشارهای آمریکا با اعمال تحریم‌های یکجانبه و تهدید نظامی، آشکارا قواعد بین‌الملل را نقض کرده است.

ناکامی‌های بی‌دری، واکنش‌تن و تل‌آویو را به سردرگمی راهبردی کشاند. آنان که هنوز از کابوس شکست‌های نظامی در افغانستان، عراق و سوریه خلاصی نیافته‌اند، این بار در برابر جبهه مقاومت، چارچای جز توسل به نمایش قدرت نداشتند. اعزام ناوهای آمریکایی به منطقه تلاش دشمن بود برای پوشاندن ضعف‌ها و شکست‌های خود.

اما واکنش رهبر انقلاب اسلامی، معادله را به کلی تغییر داد. هشدار صریح ایشان مبنی بر اینکه «آمریکایی‌ها بداندند که اگر این دفعه جنگی راه بیندازند، این جنگ جنگ منطقه‌ای خواهد بود»، پیامی راهبردی به واکنش‌تن بود؛ اینکه دوران حمله‌های محدود و بی‌هزینه به ملت‌ها پایان یافته؛ اگر آتش جنگ فروخته شود، کل منطقه شعله‌ور خواهد شد. این حق دفاع سازمان ایران طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل نیز است.

آمریکا که در این شرایط نه توان آغاز جنگ و نه ظرفیت تحمل پیامد آن را داشت، به ناچار به زبان کهنه مذاکره بازگشت. البته مذاکره‌ای آمیخته با تهدیدهای ظاهری، تا بلکه در افکار عمومی، چهره شکست‌خورده خود را کتمان کند. رژیم آمریکا می‌خواست وانمود کند هنوز گزینه‌های فشار دارد، حال آنکه در صحنه واقعی، هیچ ابزار مؤثری باقی نمانده بود.

به عنوان یک حقوقدان اذعان دارم که ایران ملتزم به منشور سازمان ملل، حقوق بین‌الملل عمومی، حق دفاع مشروع (ماده ۵۱)، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و احترام به حاکمیت ملی است اما آمریکا با اعمال تحریم‌های اقتصادی، تهدید نظامی و نقض ماده ۲ منشور سازمان ملل، متفکران غربی این نظم آمریکایی در حال زوال و آمریکا از درون در حال فروپاشی است. اقداماتی که اگر توسط هر کشور دیگری انجام می‌شد، سازمان ملل طبق مواد ۲۹-۵۲ منشور، دیوان بین‌المللی دادگستری و قطعنامه‌های الزام‌آور وارد عمل می‌شد و مسئولیت بین‌المللی کشور خاطی تعیین می‌گردید. ایران ملتزمت‌رین کشور نسبت به حقوق بین‌الملل و قوانین سازمان ملل است و اقدامات آمریکا نشان‌دهنده فقدان التزام به قواعد بین‌الملل است.

اما در همان فضا، دعوت رهبر انقلاب به حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن، بار دیگر توان و اراده ملی را آزاد ساخت. مردم سراسرافراز ایران، با آگاهی از شرایط حساس منطقه، صحنه‌ای تاریخی آفریدند. راهپیمایی اسماعل، اعلام وفاداری بی‌نظیر یک ملت با آرمان‌های بلند بود. از تهران تا زاهدان، از تبریز تا بندرعباس، راه‌ها مملو از مردمی بود که با شعارهای وحدت و امید، به دشمنان خود پیام دادند که ایران اسلامی زنده‌تر از همیشه است.

حضور میلیونی مردم در سراسر کشور، برای رسانه‌های جهانی پیام واضحی داشت. تحریم، تهدید، عملیات روانی و حتی تحریکات امنیتی، هیچ یک نتوانسته پیوند ملت و نظام را رست کند. در واقع، دشمن با هر حمله‌ای، ملت را متحدتر ساخت.

رهبر انقلاب نیز در همان روز تاریخی، با سخن پندران‌های خطاب به ملت عزیز ایران فرمودند: «در روز ۲۲ بهمن ایستار کار بزرگی انجام دادید؛ ایران را سربلند کردید، همچون همیشه با پشتیبانی از جمهوری اسلامی بر قدرت آن افزودید و دشمنانی که در اظهارات و برنامه‌ریزی‌های خود در پی تسلیم ملت ایران بودند، مایوس شدند... از همه ملت ایران تشکر و درود فراوان خود را به یکایک حاضران در این اجتماع عظیم و میلیونی در سراسر کشور تقدیم می‌کنم.» این سخن تثبیت گفتمان قدرت نرم جمهوری اسلامی بود؛ گفتمانی که بر پایه ایمان، اراده و آگاهی شکل گرفته است.

تاکتیک‌هایی که دشمن به کار بسته، هیچ کدام نتوانسته کارساز باشد، زیرا قدرت اصلی جمهوری اسلامی یعنی ترکیب رهبری خردمند، مشارکت مردمی و اقتدار نظامی به نقطه‌ای رسیده که قدرت‌های جهانی را از هرگونه اشتباه محاسباتی بازمی‌دارد.

در سطح منطقه‌ای، محور مقاومت در موقعیت اقتدار و آمادگی قرار دارد. ایران اسلامی با راهبردها و مواضع حکیمانه رهبر معظم انقلاب نه تنها تهدید را خنثی کرده بلکه معادله قدرت را بازتعریف نموده است. امروز آمریکا و اسرائیل می‌دانند که حمله به یکی از اجزای محور مقاومت، واکنش کل محور را در پی دارد.

یک نکته دیگر، این است که در جریان جنگ ۱۲ روزه، مواضع و رفتار برخی از مدعیان اصلاح‌طلبی در داخل کشور، بار دیگر چهره واقعی غرب‌گرایانه آنان را آشکار ساخت. در حالی که ملت ایران به روشنی در برابر رژیم صهیونیستی و حامیان غربی‌اش ایستاده بود، این جریان سیاسی با صدور بیانیه‌هایی موهن، در عمل زبان رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی را تکرار کرد. ترجمان سخنان و مواضع آنان چیزی جز تسلیم در برابر اراده غرب و اسرائیل نبود؛ بار دیگر می‌خواستند طرح‌های نیمه‌تمام دشمن برای تضعیف جبهه مقاومت را از درون کشور تکمیل سازند.

در ادامه این روند، در اغتشاشات اخیر نیز همان طیف غرب‌پار کوشید با برک چهره ترویس‌تها و عوامل خبیث، آنان را «معتز مدنی» معرفی کند و بدین ترتیب، هم‌صدای رسانه‌های دشمن ضمن عنوان امنیت ملی و انقلاب اسلامی عمل کرد. نقض فتنه‌انگیز چنین جریان‌هایی در تضعیف انسجام اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به اقدامات ضایربانی کاملاً عیان است. از این‌رو، اکنون بیش از هر زمان دیگر ضروری است که قوه قضائیه و دستگاه‌های امنیتی با قاطعیت و بدون مسامحه، با عناصر سیاسی و رسانه‌ای همسو با دشمن برخورد کنند؛ چرا که استعمار این رفتارها چه در قالب بیانیه‌های به ظاهر سیاسی و چه در بخش فعالیت مدنی، عملاً به برهم زدن امنیت ملی و زمینه‌سازی برای مداخله یکجانبه‌ان منجر می‌شود. حفظ اقتدار و استقلال کشور بدون ایستادگی در برابر این جریان‌های فرصت‌طلب و مرعوب غرب، ممکن نخواهد بود. در مقابل، اتحاد مردم و مسئولان در برابر فتنه‌ها، نظام را از تهدید نرم عبور داده و وارد مرحله ثانی راهبردی کرده است. اقتصاد مقاومتی، رشد فناوری دفاعی و توسعه روابط منطقه‌ای محور، همگی مؤلفه‌های هستند که ایران را از چرخه فشار غرب خارج کرده‌اند. تجربه نشان داده است که هرچه دشمن بر طبل تهدید بکوبد، مردم در پاسخ، صدای وحدت و اعتماد بیشتری سر می‌دهند.

چشم‌انداز ایران اسلامی روشن‌تر از همیشه است. رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند که ملت ایران به آینده‌ای درخشان خواهد رسید. ایران اسلامی با حکمت و درایت رهبر معظم انقلاب همزمان، مقاومت و پیشرفت کرده است.

اقتدار نظامی جمهوری اسلامی، توازن امنیتی منطقه را تغییر داده است. در کنار آن، بیداری فرهنگی و رشد علمی، چهره جدیدی از ایران را به نمایش گذاشته است. ایرانی که در برابر فشارها نه عقب‌نشینی، بلکه در بسیاری از عرصه‌ها پیشرفت داشته و در زمره ۱۰ کشور اول دنیااست.

حضور پرشور مردم به عنوان پشتوانه انقلاب اسلامی در راهپیمایی‌ها، هم حمایت سیاسی از نظام اسلامی است و هم تجلی یک روح تاریخی؛ روحی که از عاشورا تا انقلاب اسلامی، از دفاع مقدس تا امروز، زنده و فعال است. ملت ایران چگونه می‌تواند مایوس شود وقتی رهبرش با حکمت و آرامش، همچون ناخدایی آگاه، کشتی انقلاب را از میان طوفان‌ها عبور می‌دهد، آینده روشن را برپا می‌کشد و می‌توبید می‌کند؟

دشمنان هر روز با طرح جدیدی می‌آیند اما تاریخ گواهی می‌دهد که آنان می‌روند و این ملت می‌ماند. ملتی که با غلابت و ایمان، مسیر انقلابی خود را ادامه می‌دهد و یقین دارد که پیروزی نهایی، از آن انقلاب اسلامی است.

شکست آمریکا و اسرائیل در جنگ نظامی، شکست در جنگ روانی و شکست در جنگ تروریستی داخلی، همه حلقه‌های یک زنجیره‌اند. زنجیره فروپاشی راهبرد غرب در برابر ملت‌های مستقل. در مقابل، ملت ایران با تکیه بر رهبری فرزانه، انسجام ملی و نیروهای مسلح مقتدر، نه تنها از بحران عبور کرده، بلکه در مسیر پیشرفت تمدنی قرار گرفته است. این ثبات، سرمایه‌ای است که هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را برهم زند.

راه ایران به سمت آینده‌ای روشن باز است. آینده‌ای که در آن دین، دانش و عزت ملی، سه ستون اصلی آن خواهند بود. این مسیر را ملت ایران با گام‌های استوار دنبال می‌کند و هر روز، نقطه‌ای تازه از امید و شکوه است.